

بررسی و نقد کتاب

نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم

مجید بزرگمهری*

نازنین خرمی**

چکیده

نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم در قالب سیزده مقاله، ضمن معرفی مکاتب مهم روابط بین‌الملل، آخرین یافته‌های نظری در این حوزه را نیز عرضه کرده است. هریک از سیزده مؤلف با تکیه بر جهان‌نگرش و سبک و سیاق نگارشی و استدلالی خاص خود یافته‌هایشان را در مقالاتی با زمینه‌های واقع‌گرایی، انترناسیونالیسم لیبرال، مارکسیسم، نظریه انتقادی، برسازی، مکتب انگلیس، پسااستخارگرایی، زنباوروی، پسااستعمارگرایی و ... ارائه کرده‌اند. با توجه به این‌که هدف گریفیتس گردآوری مجموعه‌ای بوده که از نظریه‌های گوناگون روابط بین‌الملل توصیفی جامع داشته باشد، پرسش اصلی این است که آیا هریک از مقاله‌ها از نظریه مندرج در عنوان مقاله توصیف جامعی ارائه کرده‌اند؟

در این ارزیابی از شاخص‌های جهانی نقد علمی بهره برده‌ایم. نخست اثر و مؤلفان آن معرفی و سپس مفاد تک‌تک مقاله‌ها تحلیل و نقد شده‌اند. این اثر گریفیتس پوشش‌دهنده مجموعه کامل مباحث نظریات روابط بین‌الملل نیست. اثر صرفاً به‌منزله منبع مکمل برای درس نظریات روابط بین‌الملل رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است که البته فقط برای مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری مفید است.

کلیدواژه‌ها: نقد شکلی، نقد محتوایی، گریفیتس، نظریه روابط بین‌الملل.

* دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول)، bozorg_majid@yahoo.com

** مربی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رباط کریم، n.khorami84@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۱۰

۱. مقدمه

نظریه روابط بین‌الملل در سال‌های اخیر منشأ مجادلات عدیده در مباحث نظری در میان صاحب‌نظران مکاتب مختلف بوده است. کتب و آثاری که در این حوزه نگاشته شده‌اند با توجه به گرایش فکری مؤلفانشان عمدتاً به تبیین یک نظریه و با تکیه بر یک جهان‌نگرش به رشته تحریر درآمده‌اند. اثر گریفیتس، برخلاف آن‌ها، رویکردی جامع داشته و در صدد تبیین نظریات مهم و مطرح در ادبیات دانشگاهی است. اثر در قالب سیزده مقاله، ضمن معرفی مکاتب مهم روابط بین‌الملل، آخرین یافته‌های نظری در این حوزه را نیز عرضه داشته است. هریک از سیزده مؤلف کوشیده‌اند با تکیه بر جهان‌نگرش و سبک و سیاق نگارشی و استدلالی خاص خود یافته‌هایشان را ارائه کنند. در این مجموعه نظریات واقع‌گرای، انترناسیونالیسم لیبرال، مارکسیسم، نظریه انتقادی، برسازی، مکتب انگلیس، پساساختارگرایی، زن‌باوری، پساستعمارگرایی و چند نظریه حاشیه‌ای با قلم مؤلفان متعدد ارائه شده است.

با توجه به این‌که هدف گریفیتس گردآوری مجموعه‌ای است که توصیفی جامع از نظریات موجود در روابط بین‌الملل داشته باشد، مرکز توجه ما نیز ارزیابی همین نکته است؛ آیا مؤلفان هریک از مقاله‌ها در توصیفی جامع از نظریه مندرج در عنوان مقاله موفق بوده‌اند؟

در این ارزیابی و نقد از شاخص‌های جهانی نقد علمی بهره برده شده است. نخست اثر و مؤلفان آن معرفی و سپس مفاد اثر تحلیل شده است. ارزیابی اجمالی تک‌تک مقاله‌ها از زوایای گوناگون گام بعدی است که مقاله حاضر به آن می‌پردازد.

۲. معرفی و نقد محتوایی اثر

۱.۲ کلیات

مارتین گریفیتس *نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم* با عنوان اصلی *International Relations Theory for the Twenty-First Century: An Introduction* را در ۲۰۰۷ میلادی به چاپ رساند. این اثر در ۱۳۹۱ با ترجمه علیرضا طیب و به همت نشر نی در ۴۰۳ صفحه به چاپ رسید. این کتاب اثر جامعی است که مهم‌ترین نظریه‌های روابط بین‌الملل را بررسی می‌کند.

کتاب، که به قلم گروهی از خبرگان بین‌المللی این حوزه مطالعاتی نوشته شده، هم رویکردهای سنتی، مانند واقع‌گرایی و انترناسیونالیسم لیبرال و هم تحولات تازه‌ای مانند برسازی، پسااستخارگرایی و پسااستعمارگرایی را در بر می‌گیرد. مارتین گریفیتس، سروراستار این اثر، دانشیار روابط بین‌الملل در گروه علمی تجارت بین‌الملل و بررسی‌های آسیا در دانشگاه گریفیت واقع در بریس بین است. وی هم‌چنین در مباحث سیاست خارجی آمریکا از ۱۹۴۵ به بعد، نظریه جنگ و صلح، و هستی‌شناسی علوم اجتماعی صاحب‌نظر است. وی کتب زیادی را منتشر کرده است؛ از جمله *ظهور ضد امریکایی* (O'Connor and Griffiths, 2006)، *روابط بین‌الملل، مفاهیم کلیدی* (Griffiths, 2008) و *پنجاه متفکر کلیدی روابط بین‌الملل* (Griffiths, 2008). وی هم‌چنین *ویراستار دانش‌نامه روابط بین‌الملل* (Griffiths, 2005) با همکاری تی او کالگان و اس روج است.

عنوان مقالات و نویسندگان آن‌ها در این اثر بدین شرح است:

«جهان‌نگرش‌ها و نظریه روابط بین‌الملل» اثر مارتین گریفیتس، «واقع‌گرایی» اثر کالین المن، «مارکسیسم» اثر مارک روپرت، «انترناسیونالیسم لیبرال» اثر جان مک‌میلان، «نظریه انتقادی» اثر اندرو لینکلتر، «برسازی» اثر اندرو برادلی فیلیپس، «مکتب انگلیس» اثر آلکس بلامی، «زن‌باوری» اثر سیتیا انلو، «پسااستعمارگرایی» اثر ریتا آبراهامسن، «نظریه‌های شکل‌گیری دولت» اثر هیتز ری، «اقتصاد سیاسی بین‌الملل» اثر تام کانلی و هم‌چنین «جهان‌نگرش‌ها و نظریه سیاسی بین‌المللی» اثر آنتونی لانگلوئا^۱.

اثر در مجموع شامل سیزده مقاله در زمینه نظریات روابط بین‌الملل است. تا جایی که به روند کلی مباحث اثر ارتباط دارد، دست‌کم تا فصل دهم کتاب به موضوع اصلی خود یعنی تشریح مکاتب مختلف نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل وفادار مانده است، اما در دو فصل یازدهم و دوازدهم با عناوین «نظریه‌های شکل‌گیری دولت» اثر هیتوری و «اقتصاد سیاسی بین‌المللی» اثر تام کانلی از مسیر اصلی بحث خارج شده و مباحثی که با نظریات روابط بین‌المللی ارتباط مستقیم ندارد مطرح کرده است. اثر در فصل سیزدهم می‌کوشد با عنوان «جهان‌نگرش‌ها و نظریه سیاسی بین‌المللی» تألیف لانگلوئا روند بحث را به حوزه روابط بین‌الملل بازگرداند، اما فصل مزبور نیز از ارائه نظریه‌ای سیاسی و بین‌المللی بازمی‌ماند.

در مجموع به نظر می‌رسد گریفیتس درصدد ارائه نظریه‌ای جدید به صورت ابتکاری یا تلفیقی نیست. هم‌چنین از میان نظریات رایج نظریه نظام جهانی از مجموعه مطالعه گریفیتس بازمانده است.

۲.۲ واکاوی مقالات

کالین المن، استادیار دانشگاه دولتی آریزونا در امریکا، مؤلف ۱۹ اثر در روابط بین‌الملل و تاریخ و ۱۲۱ ارجاع در مجلات معتبر علمی است. حوزه تخصصی وی روابط بین‌الملل و مسائل امنیتی است (Elman, 2014).

المن در فصل دوم کتاب با ارائه مقاله‌ای با عنوان «واقع‌گرایی» دو هدف عمده را تعقیب کرده است؛ نخست ریشه‌های باستانی و قدیمی واقع‌گرایی را بیان کرده و سپس شش گونه از تحقیقات واقع‌گرایانه سده بیستم را معرفی کرده است. مؤلف در قسمت بررسی ریشه‌ها (تاریخچه نظریه واقع‌گرایی) به شیوه بسیار موجز به آثار مهم در عصر یونان، رم، تمدن هند و چین پرداخته است. در این قسمت مؤلف نظریه واقع‌گرایی را در عرصه سیاست داخلی معرفی کرده است.

المن مدعی می‌شود واقع‌گرایی اصیل با انتشار بحران بیست‌ساله اثر ادوارد هالت در سده بیستم جلوه‌نمایی می‌کند. المن بحث تاریخی را پیش از سخن از نواقح‌گرایی کنت والتز به پایان می‌برد و تحولات نظریه واقع‌گرایی را با تشریح دیدگاه‌های نواقح‌گرایی، واقع‌گرایی ظهور و سقوط، واقع‌گرایی نواصیل، واقع‌گرایی ساختاری پدافند باور، و واقع‌گرایی ساختاری آفند باور ادامه می‌دهد.

المن در این نوشته تقریباً به هدف خود، یعنی بیان خلاصه‌ای از آخرین تحولات نظریات واقع‌گرایی می‌رسد؛ هرچند که برای تحلیل روند تحولات و علل دگردیسی نظریه واقع‌گرایی تلاش جدی‌ای نمی‌کند. رویکرد خلاصه‌نویسی المن برای یک مقاله نیکوست، اما اثر را در مواردی به نقصان مباحث ضروری دچار کرده است. المن نگاهی بسیار اجمالی به اندیشمندان شرق باستان دارد و صرفاً به ذکر نام کاتیلا (Kauytila)، مؤلف هنر حکومت‌داری اکتفا می‌کند، اما از ذکر نام صاحب‌نظرانی مانند منسیوس (Mencius)، که دوئرتی و فالتزگراف او را از اندیشمندان باستانی نظریه واقع‌گرایی می‌دانند (Dougherty, 1971: 67)، بازمی‌ماند.

المن اسامی و آثار اندیشمندان بسیاری از سده بیستم را ذکر می‌کند، اما در نهایت خواننده تصویری حدوداً منسجم را از مباحث محوری نظریه واقع‌گرایی کسب نمی‌کند. بی‌توجهی به نظریات رابرت گیلپین، که نماینده واقع‌گرایی ساختاری سیستمیک هژمونیک دانسته می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۲۱)، و نادیده انگاشتن نظریات استفن کراسنر پذیرفتنی نیست.

جان مک‌میلان، صاحب اثر در مکتب لیبرالیسم، به دنبال کتاب ارزشمندش *صلح لیبرالی، دموکراسی، جنگ و نظام بین‌المللی* (Macmillan, 1998) تحولات مکتب لیبرالیسم را بازبینی می‌کند. مک‌میلان در مقاله سوم این اثر با عنوان «انترناسیونالیسم لیبرال» پس از ارائه مطالب اجمالی از روند تاریخی این نظریه، به جای توضیح کامل این نظریه به موضوع‌های گوناگون مرتبط با این نظریه می‌پردازد. مک‌میلان مفاهیمی مانند اقتصاد سیاسی، حق تعیین سرنوشت ملی و مداخله‌جویی، امپریالیسم و موضوع جهانی شدن را در پرتو دیدگاه‌های صاحب‌نظران مکتب انترناسیونالیسم لیبرال توصیف می‌کند. مک‌میلان در بیان موضوع‌های مرتبط با این نظریه تا حدودی موفق است. وی بر این باور است که دو نکته کلیدی باید شالوده‌ساز کمک‌های لیبرالی به جهان‌گرایی نو باشد. نکته نخست ناهم‌سازی اساسی لیبرالیسم با جنگ و نظامی‌گری است و نکته دوم عدالت است که شرط صلح پایدار و ریشه‌دار است.

مک‌میلان توصیف موجزی از مفاهیم مرتبط با نظریه انترناسیونالیسم لیبرال را بیان می‌کند، اما خواننده در پایان مقاله در انبوهی از اطلاعات و دیدگاه‌ها باقی می‌ماند و قادر نیست درباره آینده این نظریه چهارچوب واضحی را تشخیص دهد؛ هرچند مؤلف بر این مسئله تأکید می‌کند که ضروری است اصحاب این مکتب مؤلفه‌های نظریه را بازبینی کنند. مارک روپرت، استاد علوم سیاسی در مدرسه شهروندی و امور عمومی مک‌سول در دانشگاه سیراکوز نیویورک و متخصص در مسائل قدرت و سیاست‌های امپریالیستی است. وی مؤلف سه کتاب با عناوین زیر است: ۱. *تولید تفوق* (۱۹۹۵) درباره قدرت جهانی آمریکا؛ ۲. *ایدئولوژی‌های جهانی شدن* (۲۰۰۰)؛ ۳. *جهانی شدن و اقتصاد سیاسی بین‌المللی* (۲۰۰۶) با همکاری اسکات سالومن.

مارک روپرت در مقاله چهارم این اثر با عنوان «مارکسیسم» پس از این‌که مباحثی از ماده‌گرایی تاریخی را مطرح می‌کند، عملاً به نقد مارکسیسم و حتی تأیید الگوی سرمایه‌داری می‌پردازد. روپرت وارد بحث تحولات اندیشه مارکسیستی و دسته‌های انشعابی نمی‌شود و صرفاً روند تحول سرمایه‌داری و نفوذ سرمایه‌داران را در فرایند قدرت سیاسی توضیح می‌دهد.

روپرت حتی در تشریح نظریات گرامشی به اختصار وارد بحث می‌شود؛ در حالی که گرامشی نقطه عطف تحول اندیشه مارکسیسم در اروپا، به‌ویژه اروپای غربی، است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که روپرت نتوانسته موضوع محوری خود، یعنی توضیح روند تکامل نظریه مارکسیسم را به سرانجام رساند.

اندرو لینکلتر، استاد مؤسسه وودرو ویلسون در رشته سیاست‌های بین‌الملل در دانشگاه ابریست ویت در ولز انگلستان، آثار متعددی در مطالعات بین‌المللی، به‌ویژه بحث آسیب (Harm) در روابط بین‌الملل دارد. وی دوازده کتاب^۲ در حوزه مطالعات بین‌المللی تألیف کرده است.

لینکلتر در مقاله پنجم این اثر با عنوان «نظریه انتقادی» دو هدف را تعقیب می‌کند؛ نخست مکتب فرانکفورت از آغاز تا جریان دیدگاه‌های یورگن هابرماس و آکسل هانت را مرور می‌کند، سپس می‌کوشد تمایزات میان نظریه اجتماعی یافت‌باوران (اثبات‌گرایان) را با نظریه انتقادی برجسته کند. از منظر وی، نظریه انتقادی بر مبارزات سیاسی تکیه دارد، مبارزاتی که به‌شکل کلی مشخص می‌کنند چگونه جامعه‌ای متفاوت در دل نظم اجتماعی موجود در حال تکوین است؛ حال آن‌که هدف یافت‌باوری تبیین قوانین اجتماعی یا روندهای تکرارشونده و پیش‌بینی رفتارهای آینده بر اساس آن است.

از جمله مباحث لینکلتر در این مقاله نظریه انتقادی روابط بین‌الملل است. وی با اشاره به دیدگاه‌های اشلی در نقد نواقح گرابی می‌نویسد که مکتب نواقح گرابی بر «نفع فنی» در کنترل هرچه بیش‌تر جهان اجتماعی شکل پایه گرفته و آن‌چه در این میان فدا می‌شود، پای‌بندی به «نفع‌رهایی‌بخش» در برچیدن قید و بندهایی سیاسی است که تغییرناپذیر به‌نظر می‌رسند، اما می‌توان با به‌کار گرفتن کنشگری بشر آن‌ها را در هم شکست. لینکلتر به دیدگاه‌های رابرت کاکس و بحث مشهورش درباره تقابل میان نظریه مشکل‌گشا و نظریه انتقادی نیز می‌پردازد. کاکس، که تحت تأثیر اندیشه‌های آنتونیو گرامشی است، این پرسش را مطرح می‌کند که ترتیبات جاری جهان چگونه به‌وجود آمده است و آیا می‌توان آن‌ها را با رقابت و مبارزه سیاسی دگرگون کرد یا خیر؟ هدف نظریه انتقادی در روابط بین‌الملل مشخص کردن «جنبش‌های ضد چیرگی جویی» است.

در نگاهی کلی به مقاله لینکلتر می‌توان ادعا کرد که وی عمدتاً به تبیین پاره‌ای از دیدگاه‌های اندیش‌مندان این مکتب پرداخته است، اما درصدد تشریح چهارچوبی جامع و مشخص از نظریه انتقادی به‌ویژه در روابط بین‌الملل نیست.

اندرو برادلی فیلیپس، از صاحب‌نظران مطالعات روابط بین‌الملل، در مقاله ششم این اثر با عنوان «برسازی» به تشریح رویکرد سازه‌انگاری یا برسازی می‌پردازد. بحث اصلی مقاله شکاف میان خردباوران و برسانان است. مقاله در پنج بخش مباحث خود را عرضه می‌کند؛ نخست از شکاف بزرگ میان دو رویکرد سخن می‌گوید و با ذکر جزئیات تفاوت‌های سه‌گانه دو رویکرد را بازگو می‌کند؛ البته مؤلف در مواردی عبارت‌های نامفهومی را نیز در

خلال استدلال‌های خود به کار می‌گیرد. برای مثال در صفحه ۱۵۹ می‌نویسد: «بنابراین برسازان نظام بین‌الملل را حوزه‌ای بنیادی و سازا می‌دانند و نه صرفاً حوزه‌ای راه‌بردی»، اما توضیحی برای فهم این عبارات ارائه نمی‌کند. سپس از چنددستگی میان صف برسازان سخن می‌گوید و دو گروه برسازان نوگرا و پساگرا را از هم متمایز می‌کند. مقاله در صفحات ۱۶۲ تا ۱۶۴ دچار ابهام‌گویی می‌شود. برخی از ترجمه‌های مبهم مترجم نیز به ابهام موجود دامن می‌زند؛ برای مثال استفاده از واژه «خردورزان پاک‌آئین» در ترجمه واژه Rationalist Purists چندان مناسب نیست؛ زیرا پیوریست‌ها در واقع پالایش‌گرانی‌اند که قصدشان پالایش نظریات نامانوس از مجموعه نظریه خردورزی است.

برادلی فیلیپس در ادامه مقاله به بحث پل میان شکاف بزرگ و تلاش‌ها برای نزدیک کردن نظریه برسازی و خردورزان می‌پردازد. سپس به بحث درباره دو علت جا نیفتادن نظریه برسازی در ادبیات نظریات روابط بین‌المللی می‌پردازد که تا حدودی مسیر مقاله را از بحث محوری دور می‌کند. مؤلف نداشتن ریشه محکم در فلسفه سیاسی را علت نخست برمی‌شمارد، اما در بیان علت دوم خواننده دچار ابهام می‌شود؛ زیرا صرفاً به توان‌مندی دیدگاه برسازی در طرح پرسش‌های «چگونگی امکان» و «چرایی» می‌پردازد.

فیلیپس از صفحه ۱۷۱ مجدداً به روند بحث محوری بازمی‌گردد و آخرین استدلال‌ها را به نفع پل زدن میان خردباوران و برسازان توضیح می‌دهد.

مؤلف در نهایت مدعی می‌شود که نظریات رئالیسم و لیبرالیسم در روند تکامل خود عملاً از دیدگاه‌های برسازی بهره برده‌اند. وی هم‌چنین مدعی می‌شود که دیدگاه برسازی الهام‌بخش تفکرات جریان‌های زن‌باورانه، نظریه‌پردازان انتقادی، و مارکسیست‌های پیرو گرامشی بوده است. فیلیپس در مقاله‌اش کم‌تر از دیدگاه‌های نظریه‌پرداز مکتب برسازی، الکساندر ونت، بهره گرفته است و در نهایت نیز از نظریه برسازی چهارچوب مشخصی ارائه نمی‌دهد.

الکس بلامی، استاد مطالعات صلح و جنگ در دانشگاه کویزلند، در حوزه مطالعات امنیتی آثار متعددی^۳ دارد (Corengie Council, 2014).

بلامی در مقاله هفتم این اثر با عنوان «مکتب انگلیسی» سه روش اصلی را برای ارزیابی این مکتب مطرح می‌کند؛ نخست روش ضرورت کنکاش و ارزیابی دقیق مکتب را از بیان بری بوزان مطرح می‌کند، روش دوم را نادیده گرفتن و استدلال از بی‌رونق بودن این مکتب می‌داند و روش سوم را تأکید بر خواسته بسط بیش‌تر ادبیات این مکتب از منظر واقع‌گرایان و برسازان معرفی می‌کند. شایان ذکر است که بلامی در این‌جا سه روش شناخت مکتب

انگلیسی را بیان نمی‌کند؛ بلکه صرفاً سه رویکرد مطالعاتی در قبال مکتب را بیان می‌کند که تمایز چندانی نیز میان رویکرد اول و رویکرد سوم وجود ندارد.

مؤلف در ادامه به تشریح سه اصل مقدماتی در مکتب انگلیسی می‌پردازد که از این سه اصل فقط مورد دوم و سوم اصل تلقی شده و مورد اول در واقع رویکرد و رویه است. بلامی اصل اول را هم‌دلی با سنت‌های پژوهشی خاص می‌داند. منظور وی از هم‌دلی این است که از دهه ۱۹۹۰ نویسندگان این مکتب به مفهوم جامعه بین‌الملل اشاره کرده‌اند و با استفاده از این واژه برای خود سنت مشترکی خلق کرده‌اند. به‌کارگیری واژه یا مفهومی مشترک، بیش از آن‌که اصل باشد، رویکرد است.

بلامی در توضیح اصل دوم به رویکرد تفسیری در بررسی روابط بین‌الملل و بدگمانی به روش علم‌باوری می‌پردازد، ولی مؤلف در توضیح روش تفسیری صرفاً به روش روایی تاریخ تحولات بین‌المللی اشاره می‌کند و منظور از علم‌گرایی و علت بدگمانی آن را بیان نمی‌کند. بلامی صرفاً در توضیح اصل سوم، یعنی تأکید بر نظریه هنجاری و توجه به اخلاقیات در نظریه‌ها، صراحتاً به یک اصل در مکتب انگلیسی اشاره می‌کند.

مؤلف پس از بحث در زمینه موارد اشتراک دیدگاه برسازی و مکتب انگلیسی به سه سنت مکتب انگلیسی می‌پردازد که شامل واقع‌گرایی، خردباوری، و انقلاب‌خواهی است. وی در این قسمت نسبتاً نکات ارزشمندی در بیان سه سنت مذکور در ادبیات مکتب انگلیسی ارائه می‌کند و خود در نهایت اعلام می‌کند که این سه سنت در واقع سه شیوه برای اندیشیدن درباره سیاست جهان است.

بلامی در ادامه به ستون‌های سه‌گانه مکتب انگلیسی شامل مفاهیم نظام بین‌الملل، جامعه بین‌الملل، و جامعه جهانی اشاره می‌کند که برای شناخت پیکره سیاسی جهان ضروری است. بلامی در بیان وضعیت جامعه بین‌الملل به نظریات دان اشاره می‌کند و مدعی می‌شود که وضعیت چیرگی ایالات متحده آمریکا بر جامعه بین‌المللی تهدیدی برای این جامعه است؛ زیرا اساس جامعه بین‌الملل جلوگیری از چنین چیرگی‌ای است. باید توجه داشت که جامعه بین‌المللی برای حفاظت از هم‌بودهای سیاسی گوناگون در برابر تهاجم همسایگان قدرت‌مندتر وجود دارد.

مقاله بحث مفصلی را در زمینه علل چیرگی اروپا و ایالات متحده آمریکا ارائه می‌کند. در مجموع به نظر می‌رسد مؤلف بسته و مجموعه قابل تمییز و ارائه‌ای را برای مکتب انگلیسی عرضه نمی‌کند؛ بلکه با ورود به ادبیات مرتبط با مکتب مباحثی از این مکتب را برای آشنایی با کلیات مکتب ارائه می‌کند.

خانم جنی ادکینز، دانش‌آموخته دکترا از دانشگاه ولز، در سال ۲۰۰۴ به درجه استاد تمامی در حوزه مطالعات سیاست‌های بین‌المللی نائل شده است. ادکینز در مباحث سیاست بین‌الملل آثار متعددی دارد که از جمله آن‌ها، *مقابل سیاست‌ها* (در مرحله انتشار ۲۰۱۵)، *سیاست‌های جهانی، مقدمه‌ای جدید* (۲۰۱۴)، و *تئوری‌های انتقادی در روابط بین‌الملل* (۲۰۰۹) است. از جمله آخرین تحقیقات او موضوع «شخص - بود» و «جامعه سیاسی» است.^۴

ادکینز در مقاله هشتم این اثر با عنوان «پساساختارگرایی» به حوزه فلسفی و هستی‌شناختی و سپس علوم سیاسی و در نهایت روابط بین‌الملل نوعی نگاه فرامدرنیسم می‌اندازد. ادکینز بحث خود را با مبانی فلسفی پاسا ساختارگرایان آغاز می‌کند و مدعی می‌شود که از منظر پاسا ساختارگرایان نقطه‌ای در بیرون از جهان وجود ندارد که از آن‌جا بتوان به مشاهده جهان پرداخت. پس در این تصویر از جهان نظریه پرداز روابط بین‌الملل مشاهده‌گری جدا و مستقل از سیاست جهان نیست، بلکه مشارکتی ناگزیر در آن دارد. اساساً پاسا ساختارگرایان به ارائه تبیین‌های نظری جامع برای اموری که در جهان رخ می‌دهد بدگمان‌اند.

مؤلف برای روشن کردن دیدگاه‌های پاسا ساختارگرایان، نخست چند ویژگی مشترک را در رویکرد این دیدگاه برمی‌شمرد و توضیح می‌دهد. ویژگی مشترک نخست، مفهوم «ذهن بنیادی» است که از منظر ادکینز با مفهوم «شخص - بود»، که با مفهوم «خود نمون» دکارتی متفاوت است، هم‌سوست. ادکینز در این‌جا در تبیین دقیق مفهوم ذهن بنیاد به منزله ویژگی مشترک ادبیات پاسا ساختارگرایان دچار مشکل شده است و خواننده از درک نهایی این مفهوم بازمانده است.

ویژگی مشترک دوم شناسایی اهمیت زبان، گفتمان، و تفسیر است که مؤلف می‌کوشد با اشاره به نظریات سوسور و فوکو آن را تبیین کند. مؤلف در این بحث عمدتاً بر نظریات فوکو متمرکز می‌شود، اما مباحث فوکو را جسته و گریخته طرح می‌کند. اشاره به مثال فوکو در زمینه «زندان تمام‌دید» و موفق نبودن این گونه زندان‌ها در تربیت بزه‌کاران به درک چهارچوبی کم و بیش قابل فهم از مفهوم زبان و گفتمان کمک چندانی نمی‌کند.

ادکینز در همین مقاله به نگرش فوکو در زمینه قدرت می‌پردازد و بیان می‌کند که قدرت را نباید چیزی انگاشت که واحدهای از پیش موجود آن را دارند، بلکه باید آن را چیزی دانست که در مناسباتی تولید می‌شود؛ بنابراین فوکو نه از قدرت بلکه از مناسبات قدرت سخن می‌گوید. مؤلف مقاله در این موضوع به خوبی منظور فوکو را بیان می‌کند، اما در ادامه بحث

دربارهٔ مبحث رابطهٔ نزدیک قدرت و دانش و عنوان «رژیم‌های حقیقت» آن قدر به اختصار بحث می‌کند که معنای عبارت «قدرت/ دانش» و رژیم‌های حقیقت مشخص نمی‌شود. کل مقاله شامل بحث روش‌های پژوهش، تبارشناسی، و ساخت‌گشایی است که در هر سه مورد به علت ایجاز‌گویی و حذف عناصر اصلی استدلال تعاریف مشخص و قابل تمایزی ارائه نمی‌شود. در تعریف تبارشناسی از منظر فوکو صرفاً عبارت «کوششی است برای دنبال کردن این تفاوت‌ها و گسست‌ها» ذکر می‌شود.

ادکینز برای روشن کردن مفهوم ساخت‌گشایی به نوشته‌های ژاک دریدا متوسل می‌شود، اما پس از ارائهٔ بحث‌های پراکنده، در نهایت مفهوم ساخت‌گشایی را باز نمی‌کند؛ حتی در توسل به مثال دچار تعارض می‌شود. ادکینز مدعی می‌شود با توسل به دو اصطلاح متقابل، اصطلاح اول معنی می‌یابد، اما می‌نویسد: «برای موجودیت یافتن اصطلاح، اول باید اصطلاح دوم کنار گذاشته شود»؛ در حالی که در مثالی که ارائه می‌شود، ضرورت توجه به اصطلاح دوم تأکید می‌شود؛ مؤلف می‌نویسد: «یادآوری تنها در صورتی معنا دارد که مفهوم فراموشی را هم در خاطر داشته باشیم».

ترجمهٔ غیردقیق برخی از واژه‌ها نیز به ابهام مفاهیم می‌افزاید؛ ترجمهٔ واژهٔ logocentrism به سخن‌مداری چندان صحیح نیست. به نظر می‌رسد منظور از این واژه نشان هویت‌محوری است تا سخن‌مداری.

سینتیا انلو، دانش‌آموختهٔ دکترای علوم سیاسی در ۱۹۶۷ از دانشگاه کالیفرنیا، برکلی مدت زیادی در گروه مطالعات جنسیتی و زنان در گروه علوم سیاسی در دانشگاه کلارک ماساچوست تدریس داشته و حوزهٔ اصلی تحقیقاتش مسائل زن‌باورانه، تبعیض‌ها، و قومیت‌هاست و آثار متعددی در این حوزه‌ها دارد. انلو از فمینیست‌های مؤثر در ادبیات علمی امریکا و اروپا به شمار می‌رود (Clark University, Faculty Biography).

انلو در مقالهٔ نهم کتاب با عنوان «زن‌باوری» کوشیده است که جهان‌نگرشی چندبعدی از اهمیت توجه به نقش جنس زن در حوزه‌های مطالعات علوم اجتماعی، علوم سیاسی و تا حدی روابط بین‌الملل را برجسته کند. وی بحث را با موضوع زن‌باوری، جنسیت، و قدرت آغاز می‌کند و در کل مقاله می‌کوشد اهمیت توجه به نقش زن را در حوزه‌های اصلی حیات بشری ترسیم کند. نکتهٔ جدید و ارزشمند بحث‌های او ارائهٔ انواع زن‌باوری در مطالعات علوم اجتماعی است. از منظر او، دسته‌های زن‌باوری، شامل زن‌باوری لیبرال، زن‌باوری سوسیالیستی، زن‌باوری ریشه‌نگر، زن‌باوری پسا ساختارگرا و زن‌باوری پسا استعمار است. انلو به دسته‌های زن‌باوری اشاره می‌کند، اما شرحی از آن‌ها را، حتی به اختصار، ارائه نمی‌دهد.

انلو به مقوله «اندیشمندان زن‌باور روابط بین‌الملل» اشاره می‌کند و مدعی است این دسته از اندیشمندان با چنین نظریه‌هایی، از جمله این‌که «دولت‌ها و ملت‌ها طبیعی هستند»، یعنی طبیعت بشر به آن‌ها شکل بخشیده است، با نقش برجسته مردان در شکل‌گیری دولت‌ها و ملت‌ها مخالفت می‌کنند.

انلو بحث تاریخچه زن‌باوری در بررسی روابط بین‌الملل را نیز مطرح می‌کند و در این باره بخشی از فعالیت‌های انجام‌شده را برمی‌شمارد؛ اما بحث وی به مطالعات بین‌المللی منحصر نیست؛ بلکه تاریخچه رونق مطالعات زنان را در دو دهه اخیر بیان می‌کند. انلو در بحث زن‌باوری و مفاهیم پایه در روابط بین‌الملل، به مباحث امنیت، جنگ و صلح، توسعه و عدالت از منظر زن‌باورانه اشاره‌ای ندارد.

خانم ریتا آبراهامسن، دانش‌آموخته دکترای سیاست از دانشگاه ولز در سال ۱۹۹۹، هم‌اکنون با رتبه استاد تمامی در مدرسه تحصیلات تکمیلی امور عمومی و بین‌المللی دانشگاه اوتاوا فعالیت دارد. حوزه‌های مطالعاتی نام‌برده، مطالعات افریقا، امنیت و توسعه، امنیت خصوصی‌سازی، و نظریه پسااستعماری است و هریک از حوزه‌های مذکور آثار فراوانی را در بر دارد.

آبراهامسن در مقاله دهم این اثر با عنوان «پسااستعمارگرایی» کوشیده مشوق تغییر کانون توجه رشته روابط بین‌الملل از حوزه سنتی دولت‌ها، ارتش‌ها، و دیپلماسی و به جای آن، توجه به مردم، هویت‌ها و مقاومت باشد. مؤلف در مقاله‌اش اذعان می‌کند که نظریه پسااستعمارگرایی نه یک مجموعه فکری یک‌دست، بلکه متکثر و چندگونه است. مؤلف مقاله در این نوشتار صرفاً پاره‌ای از مباحث و دیدگاه‌های متنوعی را که سلطه‌گریزان مطرح کرده‌اند ارائه می‌کند. آبراهامسن درباره ادبیات محققان جهان سوم یا جنوب چند بحث محوری را ارائه می‌کند که شامل هویت (هویت پیشین ملل مستعمره)، آمیختگی (آمیخته شدن با فرهنگ استعمارگر)، اصالت (حفظ اصالت ملت مستعمره) و در نهایت، مقاومت (مقابله با سلطه‌گر) است. مؤلف در مجموع چهارچوب مشخص و مرزبندی‌شده‌ای را از نظریه پسااستعمارگرایی ارائه نمی‌کند.

۳. نقد اثر از نظر شکلی

۱.۳ نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر و فصول

از آن‌جا که کتاب در واقع مجموعه مقالاتی است که هر مقاله‌اش به یکی از نظریات و یا

مباحث محوری روابط بین‌الملل می‌پردازد، گردآورنده موفق شده نظم خوبی به مباحث بدهد. کتاب از نظریات اصلی و کلان روابط بین‌الملل، یعنی نظریات واقع‌گرایی، انترناسیونالیسم لیبرال و مارکسیسم آغاز می‌کند، سپس به نظریات جدید، شامل نظریه انتقادی، برسازی، و مکتب انگلیسی می‌پردازد.

گردآورنده در ادامه کتاب، در چهارچوب تحولات معرفت‌شناختی، درباره نظریه پساساختارگرایی بحث می‌کند و آن‌گاه وارد نظریات حاشیه‌ای، مانند زن‌باوری (فمینیسم)، پسااستعمارگرایی، و شکل‌گیری دولت می‌شود؛ البته پرداختن به نظریاتی مانند نظریه‌های شکل‌گیری دولت در فصل یازدهم مجموعه را از رویکرد محوری مباحث روابط بین‌الملل تا حدودی دور کرده است.

درباره انسجام درون فصول گفتنی است به علت مشارکت مؤلفان متعدد در تدوین این مجموعه، نمی‌توان ارزیابی‌ای کلی و واحد از نظم منطقی و انسجام مطالب اثر در هر فصل ارائه کرد؛ زیرا نگارش هر مؤلف سبک و سیاق خود را دارد. مؤلف اصلی، گریفیتس، در فصل نخست دورنمایی کلی از کل مباحث مجموعه را ارائه می‌کند. وی نخست جهان‌نگرش را تعریف و سپس جهان‌نگرش‌ها را به‌طور خلاصه معرفی می‌کند. مؤلف با طرح بحث چیرگی یا هم‌زیستی مقوله تسلط یک نظریه یا رویکرد ترکیبی از نظریات را برای محققان به بحث می‌گذارد؛ البته گریفیتس واژه‌هایی را در عناوین فرعی به‌کار گرفته است که به‌سادگی گویای روند کلی بحث نیست و خواننده با خواندن عنوان‌های فرعی قادر نیست خط و ربط بحث کلی را تشخیص دهد.

مؤلف دوم، کالین المن، در بحث واقع‌گرایی برای معرفی کلی تحولات نظریه واقع‌گرایی روش توصیفی را اتخاذ کرده است. اگر هدف مؤلف را تبیین تاریخچه نظریه واقع‌گرایی و تحولات کلی آن بدانیم، مؤلف در این امر موفق بوده است، اما اگر هدف مؤلف توضیح ماهیت و ابعاد نظریه باشد، مؤلف به چنین هدفی دست نیافته است. مؤلف صرفاً روند تحول و تکامل نظریه واقع‌گرایی را از دوره یونان باستان تا ماکیاوول و عصر حاضر با سلسله تاریخی مناسبی ارائه می‌کند، اما وارد جزئیات و علل تحولات و دگردیسی نظریه نمی‌شود؛ البته در مجموع مؤلف سیر منطقی مباحث خود را در فصل رعایت کرده است.

بالاترین رتبه نظم و انسجام مباحث به مقاله ششم با عنوان «برسازی» به نویسندگی اندرو برادلی فیلیپس داده می‌شود. مؤلف مباحث خود را در پنج بخش ارائه کرده است؛ بخش نخست ریشه‌های نظریه برسازی را مطرح می‌کند، سپس در بخش بعدی استدلال

اقامه شده در حمایت از جدایی همیشگی میان برسازی و خردورزی را بیان می‌کند. مؤلف در مرحله بعدی استدلال‌هایی که به نفع هم‌گرایی دو رویکرد مذکور است طرح کرده و در نهایت نظریه بدیل خود را در قالب تکامل نهایی نظریه برسازی مطرح می‌کند. آشفته‌ترین فصل از جهت نظم مباحث فصل دوازدهم است که طی آن تام کانلی، مؤلف مقاله «اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، می‌کوشد مباحث متنوع در اقتصاد سیاست را مطرح کند و با ورود به مباحثی مانند اقتصاد پویای چین یا اقتصاد کشورهای جهان سوم صرفاً موارد تأثیر اقتصاد در سیاست و برعکس را تحلیل می‌کند، اما کل مقاله فاقد چهارچوبی منسجم یا نظریه‌ای درباره اقتصاد سیاسی است.

۲.۳ رعایت بی‌طرفی علمی

با توجه به این‌که اثر مجموعه مقالات مؤلفان گوناگون است، باید درباره هر مقاله جداگانه نظر داد. گریفیتس، که خود گردآورنده مجموعه است، سعی داشته مقالات صاحب‌نظران متخصص در حوزه مطالعاتی را گرد آورد و بی‌طرفی علمی را رعایت کند، اما حضور مؤلفان امریکایی، انگلیسی، استرالیایی، و به تعبیری غربی کاملاً آشکار است. طبیعتاً بهتر بود مقالاتی نیز از صاحب‌نظران روس یا آسیایی استفاده می‌شد؛ برای مثال شایسته بود دست‌کم در بحث پسااستعمارگرایی از مقاله‌های صاحب‌نظران الجزایری یا هندی استفاده می‌شد.

از مجموعه مؤلفان کالین المن در مقاله «واقع‌گرایی» نگاهی بی‌طرفانه به مباحث داشته و از اندیشه یا گرایش خاصی جانب‌داری نکرده است.

جان مک‌میلان در مقاله «انترناسیونالیسم لیبرال» رویکرد علمی و بی‌طرفانه‌اش را حفظ کرده است. اما مارک روپرت در مقاله «مارکسیسم» به جای تبیین اندیشه‌های مارکسیسم عملاً به نقد مارکسیسم پرداخته و به‌نحوی از الگوی سرمایه‌داری حمایت می‌کند. مؤلف به جای توضیح روند تکامل نظریه مارکسیسم و فرق چپ و سوسیالیسم روند تحول سرمایه‌داری و نفوذ سرمایه‌داران در فرایند قدرت سیاسی را بازگو می‌کند.

نگاه منفی مؤلف به تحولات اندیشه مارکسیسم در نقد/مپراتوری تألیف هارت و نگری (ص ۱۱۹) آشکار است. روپرت در توصیف کتاب می‌نویسد: «این کتاب از نظر فلسفی فریه است، از نظر سیاسی به‌شدت پوچ و میان‌تهی است». مؤلفان سایر مقالات رویکرد بی‌طرفانه خود را در تحلیل داده‌ها و دیدگاه‌ها حفظ کرده‌اند.

۳.۳ نوآوری در مباحث

از آنجا که اثر به گردآوری مقاله‌های صاحب‌نظران جدید در هریک از نظریه‌های روابط بین‌الملل پرداخته است، طبیعتاً آخرین نظریه‌های موجود مد نظر قرار گرفته است. گریفیتس با وارد کردن مباحث «پسااستعمارگرایی»، «نظریه شکل‌گیری دولت»، و «اقتصاد سیاسی بین‌المللی» در مجموعه خود، سه بحث جدید به مباحث روابط بین‌الملل وارد کرده است؛ البته از این سه بحث «نظریه‌های شکل‌گیری دولت» با مباحث روابط بین‌المللی ارتباط مستقیمی ندارد.

کالین المن در مقاله «واقع‌گرایی»، پس از بحث در تحولات تاریخی این نظریه، با ورود به مباحث واقع‌گرایی ظهور و سقوط، واقع‌گرایی نواصیل، واقع‌گرایی پدافند‌باور، و واقع‌گرایی ساختاری آفند‌باور گونه‌های مختلف این نظریه را معرفی کرده است. این تقسیم‌بندی نوعی نوآوری در ادبیات روابط بین‌الملل تلقی می‌شود.

جان مک‌میلان در مقاله «انترناسیونالیسم لیبرال» مبحثی را با عنوان «انترناسیونالیسم لیبرال در سده بیست و یکم» باز می‌کند، اما جز مباحث فوکویاما یا نظم جدید جهانی بحث تازه‌ای را مطرح نمی‌کند. یگانه نوآوری مهم این مقاله نقد کوتاه پایانی مؤلف در نتیجه‌گیری است. مؤلف مدعی می‌شود که انترناسیونالیسم لیبرال در هر چهار بعد انتقادی، هنجاری، سیاسی، و اجرایی با چالش‌هایی روبه‌روست. مؤلف اظهار می‌کند در سده بیست و یکم انترناسیونالیسم لیبرال باید دوباره به ارزیابی فلسفی دعای معرفتی خود و توجیهات شکلی برای اقدام مشروع در سطح بین‌المللی به‌مثابه گام‌های مهم در راستای تکامل لیبرالیسم به‌سوی پروژه‌ای جهانی و نه غربی پردازد.

مارک روپرت در مقاله «مارکسیسم»، تا جایی که نظریه گرامشی را به‌اختصار توضیح می‌دهد، صرفاً روند تاریخی اندیشه مارکسیسم را به بحث می‌گذارد، اما با ورود به بحث جهانی شدن و استفاده از نظریات ویلیام رابینسون از پدیده دولت فراملی و الگوهای هم‌سازگردانی سیاسی طبقه سرمایه‌دار، پروژه چیرگی طلبانه اجتماع نولیبرالی واشنگتن را مطرح و به نقد می‌کشد؛ البته روپرت با استناد به نظریات آلن وود مجدداً نظریات رابینسون را به نقد کشیده و مدعی می‌شود که سرمایه‌داری جهانی‌شونده برای دست یافتن به فضاهای محلی، که دچار توسعه ناموزون و سامان‌های گوناگون شده است، هرچه بیش‌تر به پادرمیانی سیاسی دولت‌های ملی متکی می‌شود.

اندرو لینکلتر در بحث نظریه انتقادی صرفاً در چهارچوب نظریه‌های صاحب‌نظران اصلی و سستی این نظریه قلم‌فرسایی می‌کند. یگانه نوآوری لینکلتر توسل به نظریه‌های

رابرت کاکس است که در بحث «جنبش‌های ضد چیرگی جویی» جوهره انتقادی را در روابط بین‌الملل حاکم کرده است.

از نظر مؤلف رویکرد انتقادی کاکس توجه خواننده را از نظام سیاسی اقتدارگریز، که موضوع اصلی تحلیل والتز است، به سازمان اقتصاد سیاسی جهان و شکل‌های سلطه و چیرگی موجود در دل آن معطوف می‌کند.

الکس بلامی در مقاله «مکتب انگلیسی» تا جایی که در اصول و مکتب‌های سه‌گانه این مکتب کنکاش می‌کند، نوآوری خاصی ارائه نمی‌کند؛ اما از لحظه‌ای که (ص ۲۰۴) وارد بحث جامعه بین‌الملل و دیدگاه‌های دان می‌شود و از روند چیرگی ایالات متحده آمریکا بر جامعه بین‌الملل انتقاد می‌کند، نگرشی کاربردی را در مکتب انگلیسی وارد می‌کند. مؤلف با تکیه بر نظرات واتل دلایلی را در زمینه جدی‌تر شدن تهدید سلسله‌مراتب بر جامعه بین‌الملل برمی‌شمارد. موضوع سلطه آمریکا بر جامعه بین‌المللی و توضیح علل آن از جمله نوآوری‌های بلامی در مقاله‌اش است.

به موازات بحث نوآوری مقاله‌ها باید به نوآوری مترجم کتاب نیز اشاره‌ای جدی کرد. مترجم در متن کتاب از واژه‌های جدیدی استفاده کرده که ارزش اثر را از نظر ادبیات روابط بین‌الملل به زبان فارسی دوچندان کرده است. استفاده از واژه «بن‌نگره» برای پارادایم، «نوطرازی» برای مدرنیته، «جمع هم‌کوش» برای واژه enterprise association، «اقتدارگریزی» برای آنارشی، «واقع‌گرایی اصیل» برای رئالیسم کلاسیک، «واقع‌گرایی نواصیل» برای رئالیسم نوکلاسیک، «برسازی» برای سازه‌انگاری، «تبارشناسی» برای واژه genealogy و «ساخت‌گشایی» برای واژه deconstruct و «زنان‌باوری» برای فمینیسم از جمله نوآوری‌های ترجمه این اثر به شمار می‌رود.

۴.۳ به‌روز رسانی داده‌ها و منابع

گرفیتس از دیدگاه‌های صاحب‌نظران متخصص در هریک از نظریه‌ها بهره برده است؛ بنابراین می‌توان به به‌روز رسانی داده‌ها و اطلاعات اثر نمره خوبی داد. بخش‌هایی از کتاب نخست در *دانش‌نامه روابط بین‌الملل* درج شده بود و گرفیتس درصدد انتشار عمومی‌تر این مباحث برآمد.

اثر در سال ۲۰۰۷ به چاپ رسید، اما در اغلب مقاله‌ها ارجاع‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ به چشم می‌خورد. اثر از نظر منابع بسیار ارزشمند و غنی است و به‌قدر کافی از منابع جدید

بهره برده است. اثر در مجموع از ۶۱۷ منبع معتبر بهره برده است که ۲۰۶ منبع بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ انتشار یافته‌اند و سایر منابع نیز، به جز ۲۰ مورد، بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ انتشار یافته‌اند.

۵.۳ انطباق مفاد اثر با عنوان و فهرست مطالب

عنوان اثر نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم است و طبیعتاً به آخرین تحولات نظریه‌های روابط بین‌الملل پرداخته است. گریفیتس، مؤلف و گردآورنده مجموعه، در فصل نخست، کلیاتی درباره کتاب و مفاهیم کلیدی اثر، شامل جهان‌نگرش‌ها، بن‌نگرها و موضوع چیرگی یک نظریه یا هم‌زیستی نظریات عرضه می‌کند. ده فصل نخست اثر به نه جهان‌نگرش اختصاص دارد.

مقاله کالین المن با عنوان «واقع‌گرایی» فهرست مطالب مناسبی دارد؛ هرچند ضروری بود فهرست مطالب تفصیلی‌تر بود و تقسیم‌بندی‌های بیش‌تری در خلال مقاله ارائه می‌شد. المن بحث خود را پس از مقدمه، با ریشه‌های جهان‌نگرش واقع‌گرایی آغاز می‌کند، سپس روند تحولات این جهان‌نگرش در سده بیستم را با عنوان واقع‌گرایی اصیل و نوواقع‌گرایی و در سده بیست و یکم، با عناوین واقع‌گرایی معاصر، شامل واقع‌گرایی ظهور و سقوط، واقع‌گرایی نواصیل، واقع‌گرایی ساختاری پدافندباور و در نهایت واقع‌گرایی ساختاری آفندباور ادامه می‌دهد. المن عناوین مناسبی را برای ارائه مباحث خود به کار می‌گیرد.

جان مک‌میلان مقاله «انترناسیونالیسم لیبرال» را با عنوان فرض‌ها و برداشت تاریخی لیبرالیسم به‌خوبی آغاز می‌کند، اما در بحث بعدی، توسعه تاریخی انترناسیونالیسم لیبرال، عناوینی را به کار می‌گیرد که نظم منطقی ندارد و صرفاً موضوعاتی است که صاحب‌نظران مطرح کرده‌اند. برای مثال عناوینی مانند مناسبات بخش‌های نظامی و غیرنظامی، اقتصاد سیاسی، حق تعیین سرنوشت ملی، معماهای قدیمی مداخله‌جویی و امپریالیسم از پراکندگی متن حکایت می‌کند. هم‌چنین مؤلف از قسمت عنوان «انترناسیونالیسم لیبرال در سده بیست و یکم» تا انتهای مقاله بین صفحات ۸۶ تا ۹۷ از هیچ عنوان و تیتری برای کمک به درک خواننده استفاده نمی‌کند.

مارک روپرت در مقاله «مارکسیسم» فقط در آغاز مقاله از عنوان ماده‌گرایی تاریخی برای آغاز بحث استفاده می‌کند، اما در ادامه مقاله از عناوین پراکنده، که دغدغه‌های متنوع

اندیشمندان مکتب مارکسیسم است، استفاده می‌کند. خواننده با مطالعه این عناوین خط و ربط بحث اصلی را پیدا نمی‌کند. عناوینی مانند سرمایه‌داری و قدرت طبقاتی، گرامشی، سرمایه‌داری ایدئولوژی، چیرگی، دولت و نظام دولت‌ها، جهانی شدن از نظر مفهومی دارای انسجامی سلسله‌دار نیست.

اندرو برادلی فیلیپس در مقاله «برسازی»، به جای توصیف چهارچوب‌های نظری و اصول دیدگاه برسازی، عمدتاً به مباحثه سوم میان خردباوران و نظریه انتقادی و سپس روند جدایی برسازی و خردورزی و تحولات مقابله برسازی و خردورزی می‌پردازد. اگر هدف مؤلف را توضیح دیدگاه برسازی بدانیم، عناوین و فهرست مطالب در راستای این هدف تدوین نشده‌اند، اما اگر هدف مؤلف را فقط تبیین مقابله نظریه برسازی با خردورزی بدانیم، عناوین و قسمت‌بندی درستی انجام شده است. مؤلف نخست از شکاف بزرگ آغاز می‌کند و بعد با اشاره به تلاش‌های هم‌گرایانه، پل زدن میان این شکاف بزرگ را محک می‌زند و در نهایت استدلال می‌کند که پلی در دوردست رؤیت می‌شود.

الکس بلامی در مقاله «مکتب انگلیسی» در قسمت‌بندی عنوان‌هایی به کار می‌برد که بسیار کلی است و چندان خواننده را با مفاد آن آشنا نمی‌کند؛ به جز نخستین تیتراژ (پیدایش، سهم و پیوند با برسازی)، که گویای مفهوم بحث‌های پیش روست، تیتراژهای بعدی کلی‌اند؛ از جمله سنت‌های سه‌گانه، که در متن نیز این سنن واقع‌گرایی، خردباوری، و انقلاب‌خواهی خوب توضیح داده نشده است. در تیتراژ ستون‌های سه‌گانه مشخص نیست چرا مؤلف این سه ستون (نظام بین‌الملل، جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی) را مصداق سه ستون مکتب انگلیسی برمی‌شمارد.

جینی ادکینز در مقاله «پساساختارگرایی» با استفاده از برخی واژه‌های کلیدی در عناوین کوشیده صرفاً بحث‌های اصلی دیدگاه پاسا ساختارگرایی را مطرح کند. به کارگیری واژه‌هایی مانند ذهن بنیادین، زبان و گفتمان، مناسبات قدرت و سیاست زیستگانی، پیشینگی یا کمبود، تبارشناسی، و ساخت‌گشایی فقط گویای مباحث محوری در مجموعه نظریه‌های متنوع این مکتب است؛ اما این عناوین خواننده را در مسیر درک روند بحث قرار نمی‌دهد.

سیتا انلو در مقاله «زن‌باوری»، مانند سایر مؤلفان برای مشخص کردن بخش‌های مقاله از عناوینی استفاده کرده است که صرفاً حاکی از برخی مباحث اخیر در میان پیروان این دیدگاه است. مؤلف درصدد توضیح کامل دیدگاه زن‌باورانه نیست؛ بلکه پاره‌ای از نظریات جدید در حواشی این دیدگاه را مطرح می‌کند.

مؤلف فقط در تیتراژ اول (زن‌باوری، جنسیت و قدرت) به بحث اصلی دیدگاه زن‌باوری می‌پردازد، اما در تیتراژهای بعدی فقط برخی از بحث‌های جدید را بازگو می‌کند. برای مثال مؤلف با تیتراژ «چه هنگام یک انقلاب چندان هم انقلابی نیست؟» یا تیتراژ «وقتی زنان نادیده گرفته شوند چه چیز از قلم می‌افتد؟» و یا حتی با تیتراژ «مردان کجایند» برخی از نوشته‌های اخیر در حوزه زن‌باوری را مطرح می‌کند.

۶.۳ طرح فرضیه و اثبات آن

هدف مؤلف ارائه مجموعه‌ای کم و بیش کامل از نظریه‌های موجود در ادبیات روابط بین‌الملل بوده است. با توجه به تعداد مقاله‌ها (دوازده مقاله) می‌توان ادعا کرد که مؤلف تا حدودی به هدف خود رسیده است. مؤلف با گنجاندن مقاله‌ها از نظریه‌های اصلی در روابط بین‌الملل، از وضعیت روابط بین‌الملل نمایی کلی ارائه می‌دهد، اما نظریه‌های دیگری مانند نظریه نظام‌ها، وابستگی متقابل، بازی‌ها و غیره از حیطه بحث مؤلف خارج مانده است.

مباحث این اثر با اثر دکتر مشیرزاده با عنوان تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل مشابهت دارد. هریک از مقاله‌های دوازده‌گانه ماهیت توصیفی دارند؛ در نتیجه درصدد محک زدن یا اثبات فرضیه‌های خود نیستند. تقریباً همه مقاله‌ها آخرین نوشته‌های صاحب‌نظران در موضوع آن نظریه را به‌نحوی موجز تشریح می‌کند؛ بنابراین امکان محک زدن فرضیه‌ها وجود ندارد؛ البته به مقاله مارک روبرت با عنوان «مارکسیسم» می‌توان این نقد را مطرح کرد که مؤلف بیش‌تر درصدد تشریح نقاط ضعف مکتب مارکسیسم و توجیه الگوی سرمایه‌داری است و چندان هدف اصلی، یعنی تبیین تحولات این مکتب، را تعقیب نکرده است.

۴. نتیجه‌گیری

این اثر گریفیتس، برخلاف اثر پیشینش، دانش‌نامه روابط بین‌الملل، پوشش‌دهنده مجموعه کامل مباحث نظریات روابط بین‌الملل نیست؛ بلکه کوششی است در راستای معرفی مباحث جدیدی که اصحاب هریک از مکاتب مطرح کرده‌اند؛ بنابراین اثر صرفاً در حکم منبع مکمل درس نظریات روابط بین‌الملل برای دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، البته فقط مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا مفید است. روا و رسا نبودن اثر استفاده از آن را برای دانشجویان مقطع کارشناسی دشوار می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Martin Griffiths. Colin Elman. Mark Rupert. John MacMillan. Andrew Linklater. Andrew Bradley Phillips. Alex J. Bellamy. Cynthia Enloe. Rita Abrahamsen. Heather Rae. Tom Conley. Anthony J. Langlois
2. 1. *The Problem of Harm in World Politics: Theoretical Investigations*, Cambridge University Press, 2011.
 - *Critical Theory and World Politics: Citizenship, sovereignty and humanity*, Routledge, 2007.
 2. *The English School of International Relations: A Contemporary Assessment* (with Hidemi Suganami), Cambridge University Press, 2006.
 3. *Theories of International Relations* (edited with Scott Burchill), Palgrave Macmillan, 2005. (Now on its fourth edition, originally published in 1996)
 4. *Political Loyalty and the Nation-State* (edited with Michael Waller), Routledge, 2003.
 5. *International Relations: Critical Concepts in Political Science*, Routledge, 2000
 6. *The Transformation of Political Community: Ethical Foundations of the Post-westphalian Era*, Polity Press, 1998.
 7. *Boundaries in Question: New Directions in International Relations*, (edited with John MacMillan) Frances Pinter, 1995.
 8. *Beyond Realism and Marxism: Critical Theory and International Relations*, MacMillan Press, 1990.
 9. *New Horizons in Politics: Essays with an Australian Focus*, (edited with Hugh V. Emy), Allen and Unwin, 1990.
 10. *Men and Citizens in the Theory of International Relations*, MacMillan Press, 1982.
 11. *New Dimensions in World Politics*, (edited with G. Goodwin) Croom Helm, 1975.
3. 1. *Kosovo and International Society* (2002),
 2. *Security Communities and Their Neighbours: Regional Fortresses or Global Integrators?* (2004),
 3. *Understanding Peacekeeping* (edited with Paul D. Williams and Stuart Griffin, 2004),
 4. *International Society and Its Critics* (editor, 2004),
 5. *Just Wars: From Cicero to Iraq* (2006),
 6. *Fighting Terror: Ethical Dilemmas* (2008),
 7. *Responsibility to Protect* (2009).
4. 1. *Face Politics* Jenny Edkins. (London: Routledge, 2015)

2. *Critical International Relations*. Jenny Edkins, ed. Routledge Major Work. (London: Routledge, 2014).
3. *Global Politics: A New Introduction*, Second edition. Jenny Edkins and Maja Zehfuss, eds. (London: Routledge, 2014).
4. *International Politics and Performance: Critical Aesthetics and Creative Practice*. Jenny Edkins and Adrian Kear, eds. (London: Routledge, 2013).
5. *Missing: Persons and Politics* Jenny Edkins (Ithaca: Cornell University Press, 2011).
6. *Critical Theorists in International Relations* Jenny Edkins and Nick Vaughan-Williams, eds. (London: Routledge, 2009).
7. *Sovereign Lives: Power in Global Politics* Jenny Edkins, Véronique Pin-Fat and Michael J. Shapiro, eds. (New York: Routledge, 2004).
8. *Trauma and the Memory of Politics* Jenny Edkins (Cambridge: Cambridge University Press, 2003).
9. *Whose Hunger? Concepts of Famine, Practices of Aid* Jenny Edkins (Minneapolis: University of Minnesota Press, 2000; reissued in paperback 2008).
10. *Poststructuralism and International Relations: Bringing the Political Back In* (Boulder, Colorado: Lynne Rienner, 1999).
11. *Sovereignty and Subjectivity* Jenny Edkins, Nalini Persram and Véronique Pin-Fat, eds. (Boulder, Colorado: Lynne Rienner, 1999).

منابع

گریفتس، مارتین (۱۳۹۱). *نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم*، تهران: نشر نی.
مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.

Clark University, Faculty biography. <http://www.clarku.edu/faculty/facultybio.cfm?id=343>
Corengie Council for Ethics in International Affairs, 2014.
http://www.carnegiecouncil.org/people/data/alex_j__bellamy.html
Dougherty, J and R. Pfaltzgraff (1971). *Contending Theories in International Relations*, New York: Harper and Row.
Griffiths, Martin, T. O'Callaghan and S. Roach (2008). *International Relations: The Key Concepts*, Routledge.
Griffiths, Martin (2008). *Fifty Key Thinkers in International Relations*, Routledge.
Griffiths, Martin (2005). *Encyclopedia of International Relations*, Routledge.
Macmillan, John (1998). *On Liberal Peace: Democracy, War and the International Order*, B. Tauris.

Microsoft Academic Search.2014, Elman. C.

<http://academic.research.microsoft.com/Author/34200142/colin-elman>

O'Connor, Brendon and Martin Griffiths (2005). *The Rise of Anti-Americanism*, Routledge.

Rupert. Mark (2000). *Ideologies of Globalization*, Routledge.

Rupert. Mark (1995). *Producing Hegemony*, Cambridge University Press.

Rupert.Mark (2006). *With co-author Scott Solomon: Globalization and International Political Economy*, Rowman and Littlefield.

School of International Development and Global Studies, Rita Abrahamsen, Ottawa University.

<http://socialsciences.uottawa.ca/dvm/professor-profile?id=687>